

شهر رجب ۱۳۲۳

گزارشات ابن تاریخ تقریباً از

سه هزار و پانصدسال قبل از حضرت

سید مسیح عم شروع میشود و حاوی بسا حکایات

تاریخیه و بیانات حیرت انگیز است در دارالترجمه همیونی

ترجمه شده و در مطبعه خورشید طبع میشود قسمت اول از

این تاریخ که زیاده از شصت و سه صفحه و زیری است به نومان فروخته

میشود هر گاه کسی طالب شرکت طبع آن باشد قیمت آنرا از پیش بکتابخانه

خورشید در حیابان ناصریه رو روی شمس العمارة بردارد قبض چاقی داده خواهد

شد و در هر هفته چهار جزو از آن را که عبارت از (۲۴)

صفحه باشد در یافت خواهد نمود در هر جگه که بخواهد هر

آدرس پیکه بدهد خواهند رسانید و در خارج طهران

احترام پست افزوده میشود در غرض شهر رجب

(۱۳۲۳) شروع طبع شد

(و حق طبع محفوظ است)

—●●●●●●●●●●—





— بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ —

بهترین آثار تاریخی که مایه دقت و توحه اندلس و موحد کشف اوصاف عالم و مراتب ترقبات
 بی نوع بشر میباشد گذارشات مملکت چین است جامعه آن گذارشات بهدوی وسیع است که
 مورخین اروپائی متوراحطه بر تمام آن میداده‌اند و جامع جهل قرن مثالی را بدست نیاورده
 در عصر وسط تاریخ که دور ظلمت جهل افطار اروپا را گرفته بود کمال و حاحاح در مردم
 مشرق زمین مخصوص اهل چین دیده میشد بخوبی که آوازه گذارشات آنها بگوش اروپائیان
 میرسید در همین اوان طوابق (نازار) مانند سبیل طرف حاله اروپا سرار بر شدند
 از آنجا که هر چیز تازه زود باظار حلوه میکند تاریخ (ونی سین مار کو پولو) مورخ
 اوله مطبوع طبع اروپائیان میقتس کتب و شرحی که در خصوص ممالک متعدده صاحب
 ثروت و مکتب آنها داده مایه مطبوع اروپائیان شده مقدمه حثت کروازاد (حثت مدهی)
 را فراهم کردند — بوسله گذارشات تاریخی (مار کو پولو) است که
 (گریستوی) کشف عالم جدید یعنی امریکا را نموده چه قوانین حفرایه موهومی را که
 (پطوله) از روی تاریخ (مار کو پولو) ترتیب داده بحرك آن مرد داشتند گفته در صد کشف
 ارض مروض کانی بر آمد ولی ناد مساعیدی بر حسب مشیت فادر متعال وزنده او را باساحل
 عالم نید برساند که در سمت و خوبی آب و هوا و محصول و عجمت و عراپ از ارض

موجود بر نری داشته چینی ها اسم گائلی یا کپتانی را که بملک چین داده شده استعمال نمیکنند مآخذ این کلمه از گتیبان نام صاحبکین شمالی چین است — در زمانیکه اهل متواستان بقتل و غارت چین آمده و جماعت کتبان در شمال آملکت استقراری داشتند امروز روسها اهل چین را با این اسم خطاب می کنند یونانیان و رومیان که از وضع این مملکت اطلاع کاملی داشته ارا اسم سربک (مدسوب با پریشم) میخوانند چه درازمه قدیمه قیامت ابریشم چین بانواهی سرگزوی اسپا متداول بوده ولی ملل مالک شرقی که از زیاد اسراب بوده این مملکت را (نس) نام نهادند چینی ها هر قانون نامه (مانو) چیا خوانند شده اندوسا کین ارا (جاریاز) پی جنگجویان از با در آمده میمانند الی درسنه (۲۸۰) قبل از میلاد مسیح قشون نهر به امپراطور (هوالمگنی) مؤسس دودمان (نس) بنادر پنکاله رفته اسم (نس) را بچارج نشر دادند ولی مطابق این روایت لازم میباشد که قوانین مانو را که نسبت به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد میدهند تحریر شده باشد و یا اینکه تألیف آن بعد تر شده باشد در فصول آیه نامت خواهیم نمود که استدلالات قانون نامه (مانو) در بعضی موارد خالی از محنت نیست مثلا از آنجمله میگویند هند سه هزار سال قبل از میلاد به (جاسی) ایالت غربی چین مهاجرت کرده در نطقه که موسوم به (نس) بوده مقر کردند معنای کلمه (نس) ماچیا مرادف است و کلمه چیا در تمام نواحی هندو شبه جزیره که ما ورا رود گانگ است معروف بوده زمانیکه پورتقالها از دریای هند رابطه با چین پیدا کردند لفظ چیا در اروپا منتشر شد ولی خود مملکت چین کلمه (چونگ کو) (مملکت وسط) را بیشتر استعمال میکرد و انتخاب این کلمه بملاحظه این بود که چین را در وسط کره زمین تصور مینمودند — بلکه جهت انتخاب آن بملاحظه این بود که این اسم درازمه قدیمه خیلی معروف بوده و سلاوه در عصر (سکنه سوس) یعنی پانصد یا شصتسال قبل از مسیح مملکت بمالک حبلی کوچک قدیم شده — تمام محکوم محکم ملک بوده که در وسط سایرین قرار گرفته بود وقتی هم که مالک اطراف یکی گشته بهمین اسم باقی ماند چنانچه از برای مملکت فرانسه همین اطلاق افتاد — پی درازمه قدیمه لفظ فرانسه اطلاق بمحوطه نور پاریس میشد و سایر ایالات (بورگونی) (نورماندی) (آلساس) و (فرانس کته) نامیده میشد لکن طول زمان کلمه فرانسه تمام آن ایالات خطاب شد از وقتیکه طاعه تاتار مالک رهب مملکت چین شده اسم دودمان خود را که (تین کو)

(مملکت بزرگ و جلیل القدر) بوده بن دادند و ساکنین مملکت باسم — چونک کوی چین خوانده شده يك اسم دیگر که در تخطیات و مستندات چین است (این ها) (زیر آسمان است) از زمانیکه (کارس) و (روبریگی) و (مارکو پولو) تاریخ ناتاروا نوشته خیلی مطالب راست و دروغ در آن مندرج کردند — ولی مبانی (کاتولیک) کسانی هستند که در ظرف دوست سال مطالب صحیح و دقیق در آن نوشتند چون طبع تصنیفات آنها در فرانسه میشد مصامین آن بدست ملل اروپائی افتاد تمام در خط اینگونه جهالات و گذارشات بیفتادند مخصوصاً در قرن اخیر بخوبیکه زیاد از جهل حلد کتاب بجهت گذارشات چین در مطبعه فرانسه بطبع رسید این کتب در ترقی علوم و تربیت و تمدن خیلی معاونت کردند دو قرن اخیر اطلاعات اهل اروپا در خصوص چین بائن از امروز میبود ولی زبان چینی را امروز بهتر از سایر اوقات میدانند چه مسبو (فوئی) دو کتاب صرف و نحو از این زبان بزبان لآینی طبع کرده بعلاوه در همین اوان دولت فرانسه کتتاب لغی چندی زبان چینی طبع کرد ملک چین مدتها موضوع مباحث زیادی بوده ولی بیشتر از روی هوا و غرض وای و عقیده خود را بیابن میگردند بدین لحاظ عفايد باطله مردم اروپائی در خصوص چینیا بدرجه کمال رسید خوبیکه اطلاعات صحیحه سابق اروپا در خصوص چین بیشتر از امروز بود چه مصنفین مسرور که چند کلمه از مردمان بی سواد پرگو شنیده چیزهای خیلی غریب و غیر واقع در کتابهای خود درج کرده اگر از روی واقع بخواهی امروز چین مطرح مذاکره اهل اروپا نیست و اگر گاهی حسب مطالب بوج و حل در آن باب میگویند پس بر خود فرصه دانستیم که چند سال تمام تحصیل زبان و ادبیات و ادارات چینی را بکنیم و مطالب صحیحه مطابق کتب تواریخ چینی که خیلی مایه اعتبار است درج تمام میآیند اگر نتاهی را که از گذارشات آنها بدست ماوریم محل اعتبارنامه بسبب و اصول تمدن چین را غیر از آنچه فرص کرده اند میدانیم از وای مخالف کوفی نیست چه هرچه را می گوئیم بر حسب تحقیقات زیادی است که بطول زمان شده خوبیکه مطالعه کنندگان درمادی نظر درك مقاصد ما را نمی نمایند مگر اینکه متصورات اولیه خود را دورد یزند قلی از انکشافات هبتی (کپریک) و (نیون) کان میگردند که زمین مرکز عالم است و عالم منحصر است باجرام سماوی که از فضای غیر متناهی ملحوظ است و عاقل از این بودند که شمس مصیبه مرکز بزرگ رشته از ذواک بیشتر است و اجرام نورانی که با فاصله میگوئیم هر کدام مرکز کوی است و هر کدام

صاحب سلسله مخصوصی همین تریج سابق کمان میسازدند مرکز تمدن و تربیت انحصار بیک نقطه داشته غافل از این بودند که این مرکز نسبت به طول و زمان نقطه موهومی میشود چه مراکز دیگری بوده هر کدام صاحب سلسله و هر یک از این مراکز سبک مخصوصی از برای تراوش ترقی و تربیت داشته مثلا (مصر) و (چین) و (هند) هر کدام مرکز تمدن بوده و اگر فی الجمله رابطه نسبت بیکدیگر و نسبت هر مرکز تمدن مادامته بواسطه امتداد و طول اشعه نور ایشان بوده زیرا که اشعه سلسله های شمسی از حدود خود خارج میشوند تمام مقصود ما از این عقاید این است -- پس از آنکه مبنی و اصول کار را مختصا پیش برند متفرعات و شاخ و برگهای آن ماطل و غاطل خواهد شد و جهت اشتباه این بوده است که درست تحقیقات خود را بعمل نیاورده اند بعد از این باید مطالب تاریخی مشرق و مغرب را بعداً مبتدای تخریبه قرار دهند و از آن قوانین کلی تاریخی را بدست آورند همان طور که (کبیر) و (کابلر) و (کابلر) و (نیون) گذارشات قوانین طبیعی را بدست آورده باید قوانین کلی تاریخی را که شامل تمام گذارشات انسانی میشود بدست آورند ولی تکمیل این قوانین باین زود بها ممکن نیست چه مآلودن همچو سنای بزرگی کاریک روز و در روز میباشد علی السعاده بعضی گذارشات که واضح بممالک دور دست و غیر معروف است مینگاریم تا آنکه عقل اولی همچو (نیوس) از برای تکمیل مطالب تاریخی پیدا شود امید است که مطالعه کنندگان از مطالعه این رساله کسالت پیدا نکنند چه تاریخ نزدیکترین و قدیمترین ممالک را در آن نحو انحصار ذکر کرده ایم مملکتی که از طوفان نوح بران آسیای نرسید و مستعین چند هزار سال قبل از صنعت اروپا رواج پیدا کرده و تمدنش از ازمینه تاریخی سبقت داشته و امتداد زمان تاریخش مایه سهو و اسیان مورخین شده همچو مملکتی اطلاعاتی بیابان لازم دارد -- رساله ما اگر چه خلاصه از تاریخ آن مملکت است لکن مطالعه کنندگان را دهن کافی و محور و تأمل وافی از برای مطالعه آن لازم است تا آنکه فایده از مایه سهو و مستعین احقاق و آداب و عادات و وظایع مهمه همچو عادت بزرگی برند که نامش در هیچ عالم ضبط شده اوصاف و تمدن مملکت چین که ابتدا وجه شباهتی با اوصاف و تمدن سایر ممالک نداشته مایه سهو و موحب بصورت و پنهانی اهل عالم است مابین تمام ملل روحی زمین مات چین تنها ملتی است که تربیت و تمدنش بالا ساله از اول دنیا شروع شده و از دستور العملهای خارجه که بشوخط فتوح و نصرت بر سایر ملل و داشتن کتیبه های تاریخی پیدا میشود ابتدا مبنی نخبه آسته و حال اینکه تمدن اروپا حتی تمدن مصر بوسا هل اینگونه دستور العملها بوده نباید تصور نمود که

اقتدار مذہب (بودا) که در اوایل قرن اول میلادی در این مملکت اتفاق افتاد سبب ترقیات
 چین گشت که در آن اوان که کلمات آن مذہب ملاحظه شود در طبقات بیسواد مردم صکرده
 بعدی متضاد با تعابد زهاد و موهومات مردم بوده که ابتدا پند ها و تصایح آن در تادیب
 و تعایب مردم اثر نمیکرد و علم اخلاقی (کنفسیوس) که امروزه مبنای اصول سیاسی دولت
 چین است نکلی مغز و مرا از کلمات (بودا) بوده

﴿ حفرایهای طبیعی ﴾

گویا حدود مملکت چین اغیر از - منچوریه - و موستان - و تبت - و سایر مسمرات
 آن بر حسب طبیعت طوری قرار گرفته که از خارج چیزی بصرف در ترقیب آن نخواهد چه از
 طرف جنوب و مشرق بدریا محدود شده و از شمال بصحرائی لم بر روع از مغرب بلسانه های
 کوه و دارای يك وسعت دایره شکل است که پانصد پانصد فرسنگ قطر آن میشود - دو
 رود بزرگ از جبال کوه تبت سر از بر سده تمام مملکت را از مشرق بمرتب مشروب میباشد
 و بعد وارد دریای اصغر میشوند جبال عدیده مرتفعه از وسط ممالک میگردد و محصولات
 طبیعی و آثار و کسرات معرفت الارضی که در مناط مختلفه زمین ظهور میبرد تمام در این
 سامان جمع شده چون این مملکت قدیم اندازه تمام خاک اروپا بفرایز عثماني و روس وسعت
 دارد لهذا محتاج بحارج نشده است در صورتیکه سایر ممالک مجبورند که محصولات طبیعی
 خود را بیک دیگر معاوضه نمایند تا آنکه رفع حوائجشان بشود از زمانیکه اروپائی ها محتاج
 باهل چین شدند محصولات خود را در مملکت آنها ببرند چینیها که بدو آن محصولات را ندیده
 بودند بطول زمان آنها را ما محتاج خود قرار دادند مانند مجاری که از برای ملل متدنه
 لازم است ولی ما وصه محصولات ایالات مختلفه چین که اندازه ممالک اروپا وسعت دارد
 از برای سنت و معمولت چینی ها کافی بود بواسطه همین مرآتانی است که دولت چین
 چندان در فکر تجارت با خارج بر نیامده در حصول تجارت و صنعت این مطالب را مذاکره
 خواهیم نمود مملکت چین بسه ناحیه سمت میشود اول ناحیه (کوهستان) دوم - ناحیه
 پست - سوم ناحیه حویلی که بدو ناحیه اول شاهی دارد

(۱) ﴿ ممالک کوهستانی ﴾

در مشرق ولایة مغولستان و بواسطه مرتفعه که چینی ها - سپهان نامند ممالک وسیعی تمام
 معروف از صحرای و واقع شده و شامل ایالت - حاسی (سرحد مغرب) و چاسی

(خاك مهرب کوهستانی) و سبب چوان (چهار رود) و یونان (جنوب ابری) است دو رود نرنگ (هوانگ هو) و کوانگ از آن محال میگذرد و بواسطه وضع مرتعی که دارند در امکان غیر مستویه بهر جهت جاری میشوند حال ایالت (یونان) به ساحل اسپانوس امتداد پیدا نموده بابه اتصال (یوان کن) و خاك چین میشود خوبیکه اطراف چین مکرر از يك سمت محصور گشته و شوارع عموم از همین سمت است که بواسطه دیوار مرتعی بر محوطه گشته و ساحل دو دروازه است یکی از طرف من که اخبارش دست جای ها است یکی از طرف (یون کن) که اخبار آن دست اهالی یون کن است گمانیکه بدو در خاك چین مروج تنفس و تربیت گشته ساکنین این نواحی بوده اند

(۲) ﴿ مملکت پست ﴾

جنباله دورود - هوانگ هو - و کوانگ - و در این ناحیه مسود این ناحیه زحیبت حاصل جبری و مشروب بدن از رود ها بلکه در آن است شباخت کی (مرو یونانی) بین انبرین دارد يك قسمت ایالت (چایی) و (چوان بونگ) و (هونان) و (کوانگ نان) و يك قسمت (چی کوانگ) و (هوکو ننگ) در آن سرزمین و اندک است قطعات شمالی بواسطه ورود و مرما کمتر حاصل حرارت بواسطه سطح سرایش و اصرار و جلب (یونلی) نمود است و بر نارف ها نیز که بواسطه رسوب آب رود حنه اصرار آمده مرطوب است این ناحیه دارای مراحل موحشی است چه پست و بلندهای آن که در آن زمان تعمیر پیدا میکنند هم بدریا ماند هم بخشکی

(۳) ﴿ ناحیه جنوبی ﴾

این ناحیه شباخت کلی بد و ناحیه سابق الی در دا د پی میامل قسمت جنوبی ایالات (هو کوانگ) و (چی کوانگ) و (کبایی) و (فوکن) ، (که آنک ننگ) و (که آنگ نی) و (کوئی جو) است این ناحیه در بدو امر حر - ممالک چین محسوب میشد چنان مرصه و دره های عمیق در آن زیاد پیدا میشود حال آن مردمانی بودند مطلق العنان رنگ خلد پستان از مردمان شمالی برتر (من چی هوانگ نی) دو است سال قبل از میلاد تا به عصری آنها را بهند اطاع در آورده و وز جنگ نصف اسان را غرصه تمیز ابدار نمود تمام نهارب چین - تا اروپا در بعضی نقاط این ناحیه مسود و تمام جای که به صرف اروپا معرود از این نقاط گرفته میشود - قطعاتی عمده یکی از نواحی کان

در نواحی کوهستانی ایالات (یونان) و سیچوان و چسی ارتفاع مکان عاتمی درجه
میرسد و سرآب سرپشته میگردد و در حبلی محال مابین شب ها و ناهوارها عمودی
و درهای عمیق عبور پیدا میکنند

دیوار یا حائط نرنگ

قبل از اینکه نامار منچوریه چین را صرف کنند سرحد شمالی ایمنانگت بحائط نرنگ میدود
شده بود این حائط یا دیوار از حلبج لباتونگ یا بحر اسیر تا انتهای غربی ایالت چسی مید
میرسد و مسافت آن هر یک از یانصد الی ستمصد فرسنگ بود این بنا عظیم و بصرف بر
شائی است که تاکنون دیده شده مافی آن تس سی هه انگ تی اول امر بطور کبیر
دوستان تس که حکم سوزاندن کتب را داده و در سنه ۳۱۲۰ قبل از میلاد حیات داشته بوده
و مقصود از بنا کردن این بنا حائط و دفاع ملک از سب و عارت ظاهراً بنا بر بوده میگوید
که در یک ده ساله چنین گروه مردم را از برای ساختن این دیوار گماشته بودند و بواسطه
شاطران عظیمه این کار چهارصد هزار نفر از آنها بدفعات اتم سد صحامت این دیوار اندازه
است که شش سوار از بالای آن ممکن است که بگردند در امتداد طول آن برجهای زیاد
عاصقه دو جوی بسیار شده تا آنکه اگر دشمنی پیدا شود از پا در انداختنش امر سهلی باشد
این دیوار در نقاط منتهی حبلی محکم است بواسطه اینکه پی آن از زیر دریا بنا شده زمانیکه
ساخت این دیوار را بنا میبردند حکم شده بود که اگر یک مپخی لای نرز سنگها برود
سرشان را از آن جدا سازند این بنا در عاصقه های حبلی عظامی است تا حدود شمالی
حبلی خوب و هشتک ساخته شده پس تمام مصالح آن از آجر است ولی هر قدر که بشنوب
برد بگردند یعنی ایالت (حاسی) و چسی و کپانگ سو (ممالک نرنگ و حاصل چیزتی
که از راه کپانگ میگذرد) مصالح آن فقط از گل و خاک میشود که به استحکام این حائط
اندازه است که بدون تعمیر در مرز زباده از دو هزار سال است که همبختور باقی مانده در
نقاطی که ناهوار می گمر بوده قلعه و حصان بنه بالا برده اند تا آنکه بجای قلعه و حصان
دو سه برج بنا کرده دیوار نرنگی که ۶۰ فرسنگ طول دارد از باعش در همه جا
از ۲۰ الی ۲۵ پا است تا اندازه است عظیم باشد ملک مظهر فرانسه (حقی در رئیس جمال
حبلی مرابع در صورتیکه حال بنادر مرسد و مظهر لبتان پیرا مسود مثلا از آن جمله
یکی هست که دارای ۵۶۴۵ پا است

بر حسب عهده مسو بار رو میتوانست با مصالحتی که بمصرف این حصار زنده دو دیوار دور کرده
 بنا نمایند که هر کدام از هاعش شش تا آمد و صحافتن دو یادر و از هائی مخصوص بواسطه های
 معین در این حصار بکار برده اند که حفظ و حراستش در عهده بر بازها است و در بعضی
 نقاط عوض در واره سه کمر یا برج ساخته اند امر املرزهای چینی قبل از آنکه اهل هوانستان
 چین را بجهت اصری در آورند بسبب از دو کرور سه بار بجهت حفظ و حراست این دیوار
 کشته بودند ولی اکنون که خاک چین و اناز یکی شده و دیگر هم ناحب و نز طوایف سختی
 نیست دولت چین ساخو چندمی بجهت منزه بکه چینی محل آید و سد است و علاوه ال
 امتحاکم ساخته شده مقرر ساختن است این سه ی ستلم کر چه میباشد است این شوقه از
 جبالاب و هوانک هوس انسانی است و کبیکه بر اساسه هغه رس حفظ و حراست دولت
 چین بوده چه با وجود اطهارات موصوفین بد اندیشه و کج خیال بر پیشانی به دلیل از
 سلطان این مرد نامی این در زمان اعتماد دودمان حو کانت چین شمالک از حاکم نام
 شده و بعید مردمان آن بدینان کال عط همین است در برد لکن مشاور الهه که نه است حتی
 هوانک فی) موصوفین بوده و سر ساخته دودمان (نس) موصوفین در دستگیر کردن تمام سلاطین
 چین و قبایل و ایلات و حتی چادر این نحو است که در مایلی حدود بواسطه بکاری آن پرور شوند
 و مالکش هر روزه دچار آفتشاش و آشوب آنها گردد لهذا موصوفین هر روزه در ارا را موصول
 ساز سازی نمود و مایلی را باصصام نلت جماعت دکور (هتصد تا هزار کرور) اساحت
 این دیوار نکاست رما بیکه وفای عهده چین را بیان بیکم شرح سادک این امر اطور را
 حواهم داد

انتم رود مانه های چین رود (کبانک) و (هوانک هو) است که رودخانه های اعظم آنها
 و امر بکار براری میکند و منابع آنها در خارج خاک است هم از شمال است استخراج نمود
 این چال از ساحله چال بلو بله و مرافقه هوانا (وقت گام بری) محسوب میشود اس دو رود
 در رک از دو نقطه چینی بر دیک اظهار میرسد اما (کبانک) بر حسب اماکن مختلفه که در
 میناید انسانی مختلفه باو داده شده از طرف جنوب حرکت کرده از نکت سینه چال دیگر در
 و در طرف مشرق امتداد بریا بهایا در صورتیکه رود (هوانک هو) بر سره سیاه
 انداز پیدا میکند و از وسط هوانستان چینی از حدود تدرائی تادر (شرابی سن ۱۰۰)
 صورتک از بر عود میکند و از حصار مبروف گذشته می بری و سوال رو

(کپاک) اتصال پیدا کند جریان و سیلان این دو رود بخوابد که يك قسمت بزرگ نمایک محاط در آن کشته دو رود دیگر در خاک ناتوا احداث شده یکی موسوم به (یانگ) و دیگری کتا (رود خاک طلا) هر دو آنها از خاک (تب) از شمال بجنوب عبور کرده تا آنکه برود کبان که شط الشطوط نامند ملحق گردد الحاق این رود سرانوار این اسم است زیرا که در حوالی بلدی از بلاد ایالت جهچوان که در سبصد فرسنگی دریا واقع شده قریب بم فرسنگ عرض دارد و در نقطه که بدویای امهر اتصال پیدا مینماید قریب هفت فرسنگ عرض پیدا میکنند طول این رود ششصد فرسنگ است و از دریای شرقی گسنبهای نادی تا صد فرسنگ از این رودخانه را بسهولت عبور مینماید و خزر و مد دریا تا این صد فرسنگ مشاهده میشود شط مذکور بحسب عقیده مسو مارینی در حوالی شهر کپو کبان که در صد فرسنگی مهابش واقع شده دو فرسنگ عرض دارد مطابق ضرب المثل چینیها از برای دریا حدی مس و از برای رود کبان عمی خلاصه در بعضی محال رود مذکور ماندازه عمیق است که نمین عمق آن تا کنون معلوم نشده است و در بعضی محال دیگر هر بیاسبصد فرسنگ است لیک رود هوامک هو که برود اصغر معروف است مسرین با مسر رود سررور برابری میکنند اگر چه حجم آن مراتب کمتر است چینیها گمان میکنند که این رود از دریایچه که در روی کوه معروف (کوان ان) قرار گرفته احداث میشود این کوه بحسب عقیده چینیها المپ (پی عرش رب الوجودها است) شط مذکور از زمان قدیم حارات زیادی بواسطه صنایعهای متعدده اش نظیر رسائیده و همیشه مترصد بوده اند که بواسطه سد های محکم آن را جلوگیری کنند در فصل یوتین (گذارشات امراطور پو و توکنگ)

قانون نامه چینی که در دو هزار و سبصد سال قبل از میلاد مسیح در زمان امراطور (پو) نوشته شده مطالب دلی را ملاحظه میکنند

ای حدایان چهار کوه مقدس از انصلاط و طعبان آنها در ریخ و عبیم چه امواج بی پایان آنها محبت بر کوهها و مساط بر بیه ها کشته تا که با ممرات اکتفا نموده چون قسمت آسمان صرود مینماید عنقریب آسمان را بر مستغرق دیدارند ملت این خاکدان همیشه استنباه میکنند تا اینکه کسی به ریادشان رسد از آنها جلوگیری نماید ملت به جرد شنیدن این استغاثه چین اطمار دائه اند که کو ان از عهد امخام مؤال هنر اند بر آید سلطان در جواب فرمود که او همیشه در اجرایی او امر مخالف مینماید حدایان چهار کوه جواب داند محالیتی که با او امر قدیم

نوعه مانع نمیشود که او را جدیداً مأمور سازیم تا آنکه اعمال و افعالش را مجدداً تحت تجربه
 بزرگ امپراطور ناگزیر تسلیم گشته به سال تمام کوان جد و جهد و کوشش نمود که شاید
 از آب جلو گیری نماید ولی افسوس که به آمال خود نایل نندست آنچه که از بات تعصب
 طوفان نوح پیدا کرده اند همین است که ملاحظه نمودید معین است که تمام این مذاکرات
 در خصوص يك طنبان و انقلاب بزرگی است که با وجود امر الهامیکه در منظومات و اشعار
 چینی ملاحظه میشود با طوفان نوح مماثله نکند چه آن ملت متوحش از برای جلو گیری آنها
 منمی گمک و حمایت اقتدار سلطنتی بوده در واقع کسی که توانست از عهده جلو گیری آنها
 برآید در امپراطور (یاو) و (چون) بودند چنانچه رحمت ممدوحات تاریخ نامه قدیم چینی
 (چون) مملکت را بدوازده ایالت تقسیم نمود که هر کدام عطا بر آب بودند همی عن کدام
 حکم جزیر را داشتند و دوازده برف در روی دو ازده کوه قرار داده و مذاب
 (نهرها نمیکه دستی میکشند) بجهت جاری شدن آنها جمع نمود یعنی امداد و ازدیاد قنوت
 چینی از این تاریخ بود بخوبیکه مواد طبیعی هر ایالت بنابر منقل میدند و مابقی حاصل چینی
 اراضی میکش همی استمداد حاکم از زحمات و کوشش رادعین میکشند رودخانه های در یکی
 صکه از دره های آب سرآز شده و پس از طی مسافتی رودهای دیگر منجم گشته آنگل
 دریاچه های بزرگ داده باعث شد که تکامل مجلس فراندی داده شود تا آنکه کار بجز بیانی
 سهولت پیدا کند چنانچه در مبحث امورات سیاسی چین مذاکره این مطلب خواهد شد ولی
 دیلا ملاحظه خواهند نمود که چین اول تا آنجی است که دو صد مذاب (مخوری یا محل عبور
 آب) ساری برآمد یعنی بریاً در دو هزار و سیصد سال قبل از میلاد مسیح هم بدینی
 است يك داده که چهار صد یا صد نرسناك طول داد و مانند دامنه چین بسلاسل عمده
 حال (مت) اتصال پیدا کرده و منجم شده های عظیم است لاند از دامنه آن کوه های
 و سببی پیش از آب دو رود مانه جاری خواهند شد مخصوصاً و تنبکه در این دامنه رشته های
 جبال عظیمه با هم تقاطع نموده شد ما حاصل آنکه ایالی نیست در چین که دریاچه و آبهای
 را کند نباشد حراجهای آنها بهج دریاچه نرسد مابین آنها پیدا کرده اند در زمستان دریاچه
 آنها باعث میشود که در تابستان اراضی تن دراز و کم بزوع میگردند و دریاچه هائیکه از آبهای
 جاری دائمی تشکیل یافته کلو از ماهی میباشند و چون آب آنها نمکی است منابع زیادی بجهت
 استخراج نمک آن هر سال بدولت منتعت مرمند میشود و کوب میگردند مابین آن دریاچه ها

دریاچه یین سند (ساهرآ در چینی و فتح است) که در مساحت آب حریر، کوچکی است که
 در عین شدت گرما آب آن دریاچه را باغرای حرکت دهد بجز حرکت حرکت یک و سه
 چیزی سبب و جوشو در سطح آن پدیدار میشود و در تمام تابستان همین ژرف از آنجا
 استخراج نمیکند و اگر آب آن دریاچه با دایره آبی دریا رود تمام نمکی که در آن
 امثال صرف میشود از آن دریاچه گرفته میشود

و هو نوکمب میگوید دریاچه یالت توان همروی درین دریاچه ها آب و جدیدها میگویند
 احداث این دریاچه بواسطه لرزه خطر انگری بوده که بموجب ظم، در آن تمام نمک و ما که پس
 مستغرق میشود و اهل آن بلد دشمنانی یافتند مگر یک مدلی که بسیار چینی که در آن
 و در وسط دریاچه در مد نظر احصیاء آمده

در باره فصل چهارم آب و هوای طبعی در چین

آب و هوایی چینی بسیار ملاحظه است در تمام اجزای آن که در تمامه های مختلفه و شهره و در حومه
 هم درین در آن بر پیرا است و در میان ایالات شمال چینی بسیار تر و در آن ایالات
 سپیدی دارد و در میان ایالات جنوبی بسیار کثیف است و در سرزمینها دارد اگر چه در کاسون
 کاشکی دارد و در (میرالها) تا چندین شهر بسیار لطیف و لطیف است و در میان
 برمای رحمت و گرمای زمان آن فصلها در آن ایالات بسیار در میان است و در میان
 فصل است و در میان ایالات شمالی در آن فصلها در میان است و در میان
 آب و هوای ایالات چینی و آب و هوای در میان است و در میان است و در میان
 ایالات ساکنین بواسطه مشرق زمین است و در میان است و در میان است و در میان
 مناطق و کوهستانی زمینی است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 اوضاع همیشه حال مردم باه است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان

مردم در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 عمر چندی را طبعاً بواسطه جویها در آن است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 بودند و در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 سر راه ایالات هر چه بود و در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 بهر آب زمینی ایالات را حاصل است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان
 بهر آب و هوای در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان است و در میان

آن در هوا مایالات چین میبندد رود خا‌های ممالک چین و هند خیلی بزرگند بلکه از رود خا‌های اروپا و اتریش و طویلترند علاوه برندگهای زیاد در آن دو مملکت میشود اراضی باره هند خیلی زیاد است لکن در چین نبطه غیر معموره پیدا میشود (تاپیتس لایلاک) این اوقات خیلی از کدایان اعور را در کوه‌های کانون مملکت کرده است ولی گویا اینگونه مردمان استحصالی همین طقه دارند یعنی در سایر ممالک پیدا میشوند از اوضاع معرفه الارضی چین اختلاص کاملی بدست پی آورده اند چه علمی که متعلق بمناصر عثمانیه کرده ارض است تازه پیدا شده علاوه سباحه که بهت سباحه چین رسیده اند در این باب تحصیل کرده اند ولی همین است مملکتی که یک عشر اراضی معموره کرده زمین را تسکین داده کسب معرفه الارضی و طبقات دانه از خاکهای مختلفه دارد (دسپو رموزات) میگویند بآلب (بکی) ساحل جنوب شرقی مور غامراً از خاک دو زمین طبعه است و خاک اولی بلبله که پایه خیال غربی را تسکین میدهد تا (چینی) و (کیانگ سو) و (آن هونی) امتداد پیدا میکنند در ایالات شمالی دخال سبک و کسب طبعه و کسرات عظیم مدفونه حمل پیدا میشود این اوقات کوه آتس شمالی که در کار آتس شمالی باشد در چین یافت میشود ولی حاصل آتس فسان حاره ش خیلی دارد در اناط چینی معادن گوگرد زیاد پیدا میشود اهل اناط گوگرد را در اناط را بمصارف نامهای خود میرسانند و در تاریخ اناط پیدا کرده اند کوهی شده که سائفا در بونان استمرع مواد معدنی و فلزی بک ریزشهای زیاد خصوصاً در بواهی شمالی خیلی پیدا میشود از این اهلایان و مرجه در اناط محصولات حیوان و گیاهی است در تواریخ اناط مذکور داشته اند گویند در قریب اناط در غرب سبناج نامی از کوه آتس فسان شرقی موجود بوده چنانچه حسب گفته آبا در حوال اناط کوهی واقع شده موسوم بشیخی لایز درمی شده این کوه مذکور است که آبی غریب در آن شدن آن کوه را ندارد درها دارد او متصاعد است و آبها سبک و از پای آن کرده دو چاه آب در آن یکی گرم یکی سرد بیرون میسازد (در سبک لوگست) که در غرب حال چین از خاک است در صورتیکه خیال ما تماماً از سنگ است و حال آن حال خیلی سنگ نرم و دارای حال و فرج زمانست طوریکه اگر تا مسافت معین تا پیدا رسد از سطح خاک بحد عمر کمی در پیدا شود هرگز در این دود است که بایست تمام در معمور از اناط از چکرکی خاک دکور اناط از اناط حاصل چینی و پرومندی اراضی

مبکرده چه املاسی که از حال و فرج آن بطول زمان مترشح میشود زمین را تازه و مستعد کشت و زرع مینماید ولی جبال تمام ایالات چین از یک ماده و طبیعت بستند مخصوصاً جبال چینی و هونان و کانگ یونگ و فرکین جبال اخیر را که ابد آن اکنون کسی در صد در نیامده کشت و زرع نماید دارای هر قسم درختی است مخصوصاً از اشجار مستقیم الفاه که از برای اس اساس عمارات و کشتیها خیلی خوب است امپراطور از برای کشتیهای مخصوص خودش از آن خوب بکار میبرد و گاهی از اوقات از سیصد فرسنگی چه از دریا و چه از حتهایی در کتای عظیم الحقه میخواهد تا آنکه بجهت عمارت شخصی خود و اینه عمومی بکار برند جبال دیگری پیدا میشود که بواسطه معادن آهن و قلع و مس و نایبق و طلا و نقره شان خیلی فایده مردم می رسانند مخصوصاً طلای آنها بدین زبانت که در وقت آمدن سبیل از کوه تا آب سر از بر شده داخل جلگه میگردد چنانکه در کل و یونگ خیلی پیدا میشود

چاه آتش و چاه آبی

جابهایی خیلی عبق آتشی در چین پیدا میشود موسوم به (هونسینگ) این آثار و اعلام را سابقاً از سطو با یران است میداد ماں معنی که در ایران سردانهائی بوده بصف مذکور که در آن سلاطین در بینه مباحثه طبع طعام خود میدیده اند ولی این مسئله در بعضی از نقاط چین خیلی ملحوظ است و مردم آنها این آتش را بمصارف خانه خود میسازند و بدین لحاظ در سال بمبالغه زیادی بستند ولی تعجب در این است که چاهها در هر اول و مخصوص از این آتش بدست آورده اند که شرح آن در اشعار شاعر معروف چینی موسوم به (توفو) دیده میشود این شاعر در زمان اقتدار دودمان (تنگ) بی هشتم قرن بعد از میلاد و پنج چاه داشته ساعر مذکور که از حیثیت طبع و ذوق فطری مطابق عبقده سبو روزانته مرون اکتیسی هم سر و هم ربه است در اشعار خود از شعله آبی چاهها مذاکره نموده ولی در چین بسمه از او شرح این مطالب را داده اند و اسم آنها را از این قبیل جاهاست اسم برده اند دو بیست سال قبل (سمدو) در تاریخ طبیعی چین مطالب ذیل را مشاهده داشتند چنانکه ما از بائیمان چاههایی است در اروپا داریم چاهها در نماتک خودشان چاههایی آتش دارند که از برای مصارف خانه شان خیلی مفید و لازم است مثلاً اگر سوراخی از زیر دیوار که کرده روخته شده باز نمایند جهت طبع هر قبیل غذائی مانند کالی اجساد عرارت عیسو و نحاسی همزم بدینوع زغال سنگی بکار میبرند که خیلی درشت است و معادسکه استخراج اینگونه زغال را میسازد بحساب در نماید در بعضی از

قطر مخصوصاً در پکن زغال مذکور را با اندازه خوب درست میکنند که مدت بکشد به سه روز بدون اینکه خاموش شود پیسوزد و سیوریگول میگوید مواد قابل احتراق چین منحصر بچوب و زغال و فی و پوشال است بلکه قری نیز در انجا پیدا میشود همانطور که در هلاند و مخصوصاً در خلیفه نشین لوز پیدا میشود و در ایالات شمالی خیلی بیشتر یافت میشود. املاً مخزن این قیر در جل زمین است بچوبکه هر اندازه که حواسته مانند اهمیت خیلی مناسبی مضافاً خانه همرا از آن استخراج مینمایند این آنگاه معروف الا می نامند که می نیز در مدفن رجال ننگ اروپا و در آنکه با استمداد مشاهده میشود مثلاً در حاک ایتالیا و دامنه شمالی حبال آیین مکتوب پکنر شاهد عینی در سائانه انجمنی که مروج عقاید مذهبی است اوایی بر مشهورات مذکور ما میدهد مسید امیر از جاههای ننگ انگیز و جاههای آتش خیز (اوتونگ کپائو) مذاکره نموده اوتونگ کپائو مجاور با کپائونگ است و واقع در ایالات سیچوان (چهار دره) می در پی حبال ننگ هر یک که در میان درجه و پانزده درجه و پانزده درجه طول جنوبی است و پست و نه درجه می و سه درجه عرض شمالی از اهمیت مدحت آن با اندازه است که مانده صفتی از را ذکر میکنیم در یک نیمی ده فرسنگ صوف و چهار با پنج فرسنگ عرض و پست ده هزار عدد از آن قبیل چاهها پیدا میشود هر شخص صاحب مابنه شریکی را می خود پیدا میکنند و یک یا چند چاهی حفر مینمایند و خارج هر چاهی تقریباً هزار و شصت الی هزار و هشتصد تومان است و چاه هارا مثل ما حفر میکنند پی چون از روی تأمل و تأمل و مساعدت وقت کار میکنند سهل تر و ارزاتر مقصود نائل میشوند در صورتیکه علم مخصوصی از برای مقاشی کردن سنگها با دوات بدارند و حال آنکه تمام چاههاشان در توی سنگ واقع شده عمق این چاهها عنان و ناصد الی هزار و هشتصد یا است و عرض سه الی چهار سانتیمتر است (سانتیمتر صد یک هزار است) هر آینه اگر طبیعت روی زمین ناسه ای عمودی حاک خالص باشد یک لوله چربی محوی که دارای داس سنگی است با حفره سه چهار سانتیمتری عمق آن وارد زمین می نمایند در آن یک کلاه فولادی که سبصد با چهار حد من وزن دارد و دارای سه ارسهای دنداس و از طرف فوق مهر و از طرف تحت نوب وارد دراز حفره میکنند یک سرد بانوب انبار بیک در کرده و سوار منجمانی گشته اوقات صبح را دوروی شاهی حرکت میکنند اولوی یک کلاه پندکوز با اندازه دو با اندازه گشته اند با تمام قوت بافتند که انگار چاه طار آن در این

رای اینکه مواد متحرکه در چاه جمع شوند کلوله فولادی بیست سانت محکم از چوب
 خرما اتصال پیدا نموده که بیارپکی انگشت و استهکام مانده است که از روده ساخته میشود
 سر دیگر بشاهین صاب گشته و بیست چوب مثلثی شکل متصل شده و یکسر دیگر در پهلوی
 طناب نشسته هر قدر که شاهین بیستر بالا بیاید مردی که موکل چاه است حرکت نیم دایره
 بنات سه بقا کند بر میدهد بر سطح این حرکت کلوله فولادی محبت دیگر امتداد پیدا میکنند
 طهر که میشود شخص مذکور بالای منجذبق رفته رفته در پیش را الی عصری کمک میکنند چون
 شب پیش نباید دو سر دیگر بجای آنها مهرر کردن بعد از اینکه دو سه سانت بمطر عرض
 این عصره شد کلوله بواسطه آنرا که محبت بیچید طناب فرار داده اند تا تمام متعلقش
 در روز میاورند بدین شرح تمام این جاهها بالوله هاعمودی و مثل آبه مصقل کرد - و گاهی
 میشود که جهت امتداد سنت خاص نیست بی در بعضی نقاط حاله و زغال نیز پیدا
 میشود چاه کنند در این محل مسکن تا که نی فایده است چه بعد از اینکه حدود مواد
 اختلاف پیدا میکنند امتداد چاه از حالت عمودی بجهت انحراف میرسد لکن این قبل انعطاف
 در آب واهی اتفاق میآید که تمام آبی که از برای اتصال کلوله فولادی است میتکند در همچو
 موردی پنج یا شش ماه وقت لازم است تا آنکه کلوله اول را با کلوله های دیگر فولادی چون سر مه
 نماید - ولی اگر سنت چاه - و باشد در هر شبانه روزی باید زنده و با هر رفتن در چاه ممکن
 است قلا از بی حفر کردن یک چاه سه سال وقت لازم است هر اینه اگر بخواهند آب از
 چاه بروز آه رند چوب حیرت محوی وارد در چاه کند که طولش بیست و چهار یاست و
 در اینی احتیاجی آن در چاه است پس از آنکه چوب مذکور وارد چاه نمودند یک مردی
 موی دهی طناب می اندازد در حرکتی چند ثان میدهد در حرکتی در بجهت سابق الذکر بازگشته
 یک اندزه آب بالا می آید ستونهای که بخام با عصب از است وار برای بچیدن طناب لوله چوبی
 دراز داده شده بواسطه آنکه هر گاه در این حرکت حرکت لوله را بعد از بریدن آب بالا
 میکنند سه سانت که در چاه است آب چاه ها جلی سوز است و در صورتیکه
 بواسطه حرارت - در هر روز از یک حفر الی یک ربع یک میدهد و نمکی که کله از جاهها
 استخراج میشود با آب جلی - بد میآید ، علاوه بر اینی شوره زیادی است و هوای این
 چاه جلی در آن استعمال سرد می آید اگر در وقت بالا آورده که مثلثی و آب خراعی محاوردهان
 چاه که در تمام آنجا - آب کیمیا که در حوالی چاه هستند مثل اینکه ساعتی

باها رسیده طرفه العینی معقود الاتر مبرکدند این حادثه گاهی بواسطه بی احتیاطی و گاهی بواسطه بیاحتیاطی بکثرت از عملجات آهاق مباد چه زمانیکه بواسطه زخمات شاق و صدمات مالاخطاق میجو احمد شد رحل کند سایر همکارها را هم با آتش میسوزاند چاه ها نیزکه احداث حرارت میکنند داوای نمک بستند این ملاحظه چاه آتشی نامیده شوند — و رسم این است که در هر چاه آتشی يك لوله از چوب حیزران که متأثر از این آتش نمیشود نصب میکنند و بتوسط این لوله هر جا که خواسته باشد هوای محروم چاه را میسازند و صریحاً منهل ساحل آن این است که نامعی آن هوا را روس میسازند و در زمان سوختن شعله آبی رنگی از آن متصاعد میشود و ارتفاع این شعله سه چهار سانتیمتر است و قطر آن يك سانتیمتر است آتش این چاه ها اندازه دست که نمک را از آب مجزا سازد و مانند نمک طعام معمولی جامد کند و جاهایی درك آتشی در چین نیست) حاصله چهل فرسنگی واقع شده است

از برای نجیر آب و رسوب و انجماد نمک طستکی از چودن که پنج یا قطر و چهار سانتیمتر عمق و يك سانتیمتر ضخامت دارد بکار میبرند (چندین بار بمرص اعتنان در آورده اند که هر چند سطح مقابل آتش وسیعتر باشد نجیر سر بهر میسود و آتش کمتر میسوزد) — چنديك عمقتر بر از آب محیط رطوبت می نماید که بواسطه همان آتش میجوئد و فایده آنها این است که هر اندازه که نمک لازم است بطشتک میدهند خوبکه پس از نجیر آب نمک تمام طستک را بر میکنند و بشتکی آن منسکلی میسود و وزن آن نمک هر یکاً دو پست من بلکه متجاوز میباشد و سختی و حمودت آن نسبتی و حمودت سنگ مبرکدند و از برای اینکه اثر آن صرف غروب رسالتند سه چهار پارچه میبندند در روی ساحل آن نمک بندی آتش با اندازه ایدت که طستک چودنی قرمز میسود و آب در تمام هست باده سانتیمتر ضخامت نمایان در وسط دستبند و لا نماید ولی و دیکه حرارت صفتک بواسطه آتش مواد مذکوره در جامد ارتفاع و علامت آب صفتک بیشتر می شود و از تند و بندی حرارت طستک نزوی دنگس مبرکدند اگر خط طستک می که مخصوص باینکار است از چودن ساخته شود و علاوه بر سانتیمتر ضخامت دادار برای استخراج نمک جاهایی عدیده سابق الذکر معلوم است که در عمل خیلی لازم است چه بیاحتیاطی هر قسم زغالی در این مملکت پیدا میسود و صبوبات را با یک در داخل زمین پیدا میشود و در این سانتیمتر الی پنج سانتیمتر ضخامت دارد و راه آن میدان ظالماً اندر سر است و اسمی که بله آنها را چوب حیزران میکنند و زغالی که از آنها میسوزد و باورتا خیلی دانه در دست است ظالماً

هوای معادن قابل احراق میبود این ملاحظه معدنچیان احازة روس کردن چراغ را ندارند
عوض چراغ يك مقدار از حاك آره باقبر مخلوط کرده بجهت رفع حاجت میسوزانند که ابتدا
احداث شده بکنند گاهی بر حسب اتفاق در زمان حفر کردن جاههای کوچک نمک دار
در مقدمه زیر آنها طبقات زغال سنگ صختم پیدامی کنند ولی جرئت استخراج این
معادن را ندارند چه صریحه ناروت روس و بیرون آوردن زغال اسپانیا مسکلی است علاوه
بر آنکه که آب زیادی در آن معادن پیدا شود و زجاجات آنها را یکی بی پایده کند از جاههای
نمک بعد از اینکه هزارها عمیق پیدا کرده روعی آلوده در استخراج میکنند — خاصیت این
روغن این است که در وسط آب میسوزد تقریباً روزی چهار یا پنج حره صدمی از آن
روغن بدست میآورند این روغن دارای عفت زیاد است و از برای روشن کردن آبار
هائیکه در آنها چاهها و دیکهای نمک است بمصرف میرسد هر آینه اگر اصلاحات دیگری
بود عناصر مختلفه که ترکیب این بخار را نموده اند پیدا میکردم ولی اصدرا میدانم که این بخار
از آبر کوه آتش و شان زیر زمینی است — چه از برای استعمال حاجت بروس کردن
میباشد و وقتیکه روشن شد دیگر خاموش نمیشود مگر توسطه يك کلوئه حنک دست که بمجرای بوله
آغاز میچسباند و گاهی بواسطه ردهای شد فوری خاموش میشود طسماً آماده و ماهیت این
بخار گاز است و یا حومر درجه شعله آن خیلی متعین و دارای دود سیاه غلیظی است — چه بسیار
خواهت برست حواء عیسوی کان میکنداس آتش آتش جهنم است و ترس و وحشت زیادی از آن
دارند ولی در هر صورت از آتش های معمولی تند تر است عدد معدن زغال و نمک اینجا اندازه ایست
که يك ملک بزرگ را مشغول ساحه بعضی مردمان مالک الجماعه و مالکهای معمولی تقریباً صد
چاه دارند از جنس (تین سین) که در بعضی در جبال است و در کنار رود خانه کوچکی چاه نمک
زیادی دارد که ماسد چاههای (او تونگ کائو) حفر گشته مثلا در يك دره آن چهار چاه واضح
سده که بی اندازه استخراج آتش و سله کند ولی ابتدا استخراج آب از آن نمیشود این چاهها
درید و امر دارای آب شور بوده ولی بعد از اینکه آب آنها خشک شد در دوازده سال قبل
در صدد کنند زهین برآمدند تا آنکه مجدداً باب رستند ولی زحمشان بیوده بود به عوض
آب بکستون غلظتی از هوا متصاعد شد و ترشح درات درشت سیاه و یکی نمود که شاهی بدود
های معمولی بدست تا که خیلی شاهس بسیار کوره خیلی مشتعلی داشت که سرعت سیر این
بخار بسیار آید که اگر از دور صدای آن را شنید خیلی متوحش میشوند در سر هر چاهي يك استوانه

سنگی که شش یا هفت یا ارتفاع دارد کار گذشته اند تا آنکه از روی عمد یا سهواً آتش در چاه بیندازند در ماه اوت گذشته بواسطه عدم پیش بینی و احتیاط آتش در یکی از چاه ها انداخته اسباب بلغمی و صرر همه مردم را فراهم کردند. چه بعد از اینکه آتش بسطح چاه رسید صدای عظیمی بر حواست و زمین لرزه بظهور پیوست این آتش با ارتفاع دو یا در سطح زمین سیر میکرد در صورتیکه چیزی برآمد و زانند چهار هر از برای فرونشاندن آتش و راحت کردن همکنان و اقوان خود مدائی گشته سنگ عظیمی برداشته حواس قد روی سحر ای چاه بگذارند فوراً آتش به هوا بریدن کرده سه نفر از آنها را سو زانند و چهارمی فرار نمود نه از آب و نه از آگن جلوی گیری از آتش و استند بکنند یا رده روز متوالی زحمت کشیدند تا آنکه آب زیادی روی یکی از چاه بر دیک بر دهند از آن آب دریاچه اشکلی داده بخبر ف چاه ها نمودند آب مذکور عمارت هوای محاور که در آب حل گشته آتش را خاموش نمود ولی بجهت اجر ای اینکار مبلغ سه هزار فرانک خرج نمودند در صورتیکه اس مباح در چین خیلی مشابه است چون می رسد سائیمپتر بقط عمودی از سطح خاک پائین روند در چهار سمت چاه لوله از چوب چیزان شد و وصل گشته برای اینکه هوای زیر در چاهها برسانند در صورتیکه هر یک چاه زیاده از سبصد دیک نمک را بمحوسانند هر یک از آن دیکها دارای یک لوله چیزان است که در اس آن لوله از خاک رس بصب گشته با ارتفاع شش سائیمپتر و در مرکز آن سوراخی است فقط یک سائیمپتر (لوله حکی از برای آن است که آتش لوله چیزان را تسوزانند) لوله های دیگر از برای روشن کردن کوجه ها و مطبجها بصب گشته بجهت زانندی آتش چاههای مذکور سه بخاری اشکلی داده اند که آتش در آنها مانند هواره با ارتفاع دو مظر مانند میشود سطح زمین جهاخی که متعلق باین کار خانه است خیلی گرم است بطوریکه بارها سو زانند تمام عمارات این کار خانه تقریباً لحت و برهنه اند و لوله در زمستان لباسشان منحصر بیک زیر شلوازی کوچکی است که فقط بجهت ستر عورت در بر کرده اند بیکهای چون کار چاه یا پنج سائیمپتر مسحات دارند و خود این لوله های حرارت مکاس شده اند و بواسطه چند ماه حراب و کسبخته میسوند آنها را بواسطه سحر اهائی که از چوب چیزان است وارد آب آببار و ری که در کار خانه ساخته شده بیندازند و نمک که شب در روز بواسطه چهار نفر عمه کار میکنند آب را بیک محفظه دیگری که در فوق عمارت بنا شده میرسانند و از آنجا آب سائیمپتر متصل میگردد و پس از نهر به سد آب نمک بکی بصحافت شش سائیمپتر و بوزن سبصد من و سه حقی سنگ های بهمانند فراموش کردم بگویم که این آتش بجهت دود احداث بخار سندی میکنند از قیر که بوی آن از

دو فرسنگی است تمام میشود و شعله اش مثل آتش سرج است و مانند شعله چراغ ببحرهای لوله
خیزران اتصال ندارد بلکه فاصله دو سائبه مطرد در اطراف لوله بر میزند در رستخان ققرا بجهت کرم
کردن خود زمین را عمق يك پا حفر میکنند و ده هر از آنها بدور آن حلقه میزنند تا يك صفت
گاه آن کود را محتمل میسازند و بعدر حاجت خود را کرم میکنند — بعد بجهت خاموش شدن
آتش حفره را از شن پر کرده از پی گار خود عبور میدهند

تاریخ ازمه قدیمه ملت چین

هر آینه اثر ملتی در عالم پیدا شود که بتواند تمدن خود به امانت چین خواهد بود — اهل
هند که قیاس زمان را درون غیر متناهیة سالهای شمسی قرار داده و حقیقت را اعتبارت از انقلابات
متناهیة و متناهیة میداند و در سال را در آن انقلابات شریک دانسته در نوشتن تاریخ
و سائنامه حرد تکامل و ز رنده بجای اینکه و طبع و گذارشات ماه و سال را مسطور دارند تاریخ
اعصار و قرون عالم را دانگشته اند کما آن اینکه در این صحن از مننه تاریخ خود مسطور خواهد
شد متلاسه عصر اول تاریخ عالم را سه ملبون و هشتصد و هشتاد و هشت هزار سال میدانند و
میکوینند عصر حائیه چهار صد و سی و دو هزار سال میشود و وسط چهار هزار و نهصد و سی و
چهار سال آن تاکنون گذشته است عصر رسه اول يك عصر الهی تشکیل میدهد و هفتاد و
يك عصر الهی يك دوره سلطنت مانو (مانو قانون گذار بررنگ حنیها است) تشکیل میدهد و
سهارده دوره سلطنت مانو اصطلاح آنها يك کالاهیسود یعنی هزار عصر الهی که هر يك از
چهار عصر انسانی سرک رسه آن قبل يك کالاهیسود (کالاهیسود چهار ملبون و سیصد و بیست ملبون
سال شمسی میشود) و کالاهیسود رور برها (برها زبان هندی یعنی خدا) میدانند یعنی مدت
و قتی که بجهت بروز و نمایش موجودات عالم لازم برود سه ملبون و سیصد و بیست ملبون
موجودات عالم لازم است همین مقدار و عم لازم دارد پس ما حاصل این است که مطابق عهدة هندها
برور موجودات عالم که معالایه معنی بجهت و ششمی رسیده چهار ملبون و سیصد و بیست
ملبون وقت لازم دارد و در دنیا پنج ملبون و ششصد و بیست هزار سال میشود و بجهت
س دنیا طلوع و غروب هر سه رسه اند — میگویند طلوع آن در چهار عصری واقع
شده موسوم ساندی (ساندی یعنی طایر بررنگ رنگ) و طول آن يك ملبون و هشتصد و
بیست و هشت سال میشود — و از رای غروب آن همین مدت و ف طائل شده اند
این سه سال و چهار ملبون و سیصد و بیست هزار سال است که تمام این مدت يك باحادیث

واجبار بی اسرائیل هستند ولی منقولات که تا زگی در چین نبوغ پیدا کرده و از قدیم با حادث و اجبار بی اسرائیل معتقد بوده مورد اعتقاد مردمان ناسواد چین که در مدرسه کنه بیوس تربیت یافته نیست چه این دانشمندان مانند معلم خود که سر مشق دولت و ملت است از مسائل مشکله مو هومه احتساب میکنند و ابداً در فکر حل آنها نمی آیند و بعد باطل نظامی گذارشات مملکت خود میباشند چه این گذارشات راتا سال شصت و یکم سلطنت (شوآنک فی) پی تا دوره اول سلطنت چینی ها که تقریباً دو هزار و سیصد و سی و هفت سال قبل از میلاد میبود بطور صحیح نوشته اند بعضی مورخین مانند جوئی سه هر دو چهار صد و نهمین از ملاد آن دوره را این مدهند احادیث و احبار اسیان مانند تمام گذارشات حالاً با ایمان پیدا میبود ما قدری از آنرا صنعاً مندرج میساریم تا آنکه نفوسی که بدارح هوشیسان بواسطه ترقیات علوم محسوسه و منقنه اوحی پیدا کرده و در صدد حل مسائل مشکله بدیهه نوع بشر باشند راه استدلال صحت و سقم احبار را بدست آورند بخایدی که مردمان با دوق ملت چین در این باب قبول کرده تمام واضح و مبرهن است در صورتیکه هندیا بموهومات و متصورات خود پرداخته و در همه جا عبودیت خود را به برها مشهور و عین ساختن اعتنائی باوصاع این عالم نکرده و مانند عیدویان با عقیده این خاکدان را محل محنت و رنج میدانند ولی برعکس جنبها عقاید و خیالات نسیه را دور ریخته و حیات ابدی آن عالم را بحیات موقتی این دنیا فروخته جنبها با طبیعت زد و خورد کرده زیاده از شدت هزار فرسنگ زمین ناثر را هموار ساخته در صورتیکه هندیا بواسطه رسالتی که از وضع پرومندی و سودمندی اراضی خود داشته عرص اینک بر زمین بردارند بخانه های ربادی در نقاط مختلفه بریانموده اند و اینک عتاید مذهبی و قوه خیاله و ذوق شعری آنها با علی درجه کمال رسیده بود در صورتیکه اخلاق حسیه و مبل پچه های محسوس و غیر موهومی و عشق صنایع در جنبها ملحوظ بود منطومات آنها اگر چه مطمح نظر بعضی دانشمندان نمیباشد لیکن عالی از اهرمت نیست محترمان اسیان با اندازه نیست که مردم تصور می نمایند چه احراج اولی است طای جانب و قوه حاق کردن هم در اسیان و خود ندارد ولی می توانم بگویم مناسبات اسیان با حاصل قوه را حایه است ولی نباید این قوه روحانی را حلاق و مدع دانست و نباید این قوه را حلاق و مدع دیگر میباید چه قوه فاعلی توسط تحصیل علم و تفریح و صغری و کبری پیدا فاعل تصنع است که احترامات میسود علاوه بر این که تمام اسیان در آ

بحال هست و هر چیزیکه بحال نشد ممکن است که وجود خارجی پیدا کند چه هرگز تصور هیچکس دائره مربع شکل و مربع دائره شکل متصور نشده زمايکه هومر (شاعر معروف یونانی) و ناگردان اورساله معروف ایلپاد (و اود سپه) را نوشته مصداقین این از اختراعات شخصی خودشان بود بلکه تألیف روایت و اجتماع و تنظیم اخبار بود تمام مشائیکه در خصوص مردمان نامی و مطالب عاظمه نوشته شده و در نظر مردم از تصدیقات مصدقین قلم رفته جز طبقه و تقلید چیزی نگری نیست چه ترکیب و تنظیم اجزای مختلفه را اختراع میکنند - چینی ها اسم شاعر بزرگ عالم را ویا را می نامند یعنی ترکیب کننده و ترتیب دهند و تقسیم کنند - این شاعر نصف کتاب ماهابهارا نامی باشد که برین سانسکریت نوشته شده عدد اشعار آن دوویست و پنجاه هزار است که بعضی از آنها زیاده ارسوی حرکت دارد و همچنین (هومرس) که لغوی است یونانی یعنی کسی است که کتابهارا نامی و تألیف میکند و در رشته نظم می آورد ولی مطابق این تحقیقات باید که تمام اعمال و اعمال مسطور در ایلپاد و اودیه راست است بی راست است لکن با شخاصی منسوب شده که وجود نداشته اند و الاصل خود و قابع صحت دانسته فقط چیزی که هست آن و قابع را بطاس افسانه در آورده اند

ارمنه قبل از تاریخ

چنانکه مذکور داشتیم چینی ها بدو ارمنه تاریخشان را دو هزار و شصت و سی و هفت سال قبل از میلاد میدانند - اغلب از مورخین چند عصر یا چند سلطنت پیش از این زمان تصور کرده اند و نام اول ساطانها ترا (بان گو) میگویند و لقبش هوشن (عدم اولیه) زمان سلطنت این ساطانرا اندازه دور میدانند که فاصله مابین آن و فوت (کنهسپوس) بر حسب اختلاف چهار کره الی حد و بود و دو کرور سال میشود در صورتیکه (کنهسپوس) چهارصد و هفتاد و نه سال قبل از میلاد وفات کرده چیرهایی که هدایا به مانو اسبب میدهند ایشان باین ساطان سبب داده اند - مثلاً میگویند این ساطان اندازه مقتدر و مساط بر طبیعت بوده که نسب ربوبیت و خلافت او میداده اند پس لحاظ بود که او را پوئی نامیدند (یعنی ناظم عالم) و بعضی روایات بعضی چینی ها باین ساطان اسمها را از زمین متصل کرده بعضی دیگر میگویند همچون اتصال آسمان از زمین (بان گو) در میان آنها بر سه طهور رسیده بعد از سلطنت او سه دوره سلطنت دیگر شروع کرده - سادات آسمان - سادات زمین - سادات

انسان یکی از نویسندگان چینی میگوید تمام این سه دوره سلطنت صد و بیست و نه هزار و شصت و سه سال طول کشیده و این مدت را بدوازده قسمت مینمایند و هر کدام آنجاه هزار و هشتصد سال میشود و مدت و قیاس از برای خرابی عالم لازم بوده است جز این مدت می شود در قسمت اول این زمان صورت آسمان تشکیل پیدا کرده و باچار اثر برای این کار حلالی عالم بحداد بیروح و حرکت جان بخشیده و حرکت کرده در قسمت دوم صورت زمین تشکیل پیدا کرده در قسمت سوم انسانها بر موجودات و با نالت خلق گشته این عقاید کلمه در تاریخ چینی پیدا میشود و تمام تصوراتی است که در خصوص مبدأ و طول اشیا کرده اند مطابق اخباری که در خصوص سه دوره سلطنت مذکوره دارند هیاکل موجودات سایر مکانی مخالف با هیاکل بی روح انسانی است که فعلا اند و تمام دارند موجودات اولیه هیاکلی ما را داشته اند موجودات ثانوی صورت دختران و سر زدها بدن ما را و پای اسب را داشته موجودات ثانیه صورت انسان و بدن اردهارا داشته بعد از آن ده دوره سلطنت دیگر میباشد موسوم به (بی) که در آن زمان مردمان صورت انسان و بدن اردها را داشته و مغز انسان در غار و بیروی ناح در حیات بوده و در شش عصر اول سوار کوزتهای فلز دار و اردها میشدند و مدت آن زمان مطابق عقیده بعضی يك سالهون و صد هزار و هشتصد و پنجاه سال بوده و مطابق عقیده بعضی دیگر نود هزار سال بوده در آخر عصر هفتم که مختص سلاطین بوده که میدغ و مبتکر تربیت و تمدن گشته بی نوع انسان از منزل کردن در طار دست کشیده منازل دیگری بجهت خود تهیه کردند در اول عصر هشتم صدها متعلق بسیزده دودمان مبرکند همراه هائی بجهت خود درست کرده که هر کدام با شش اسب شاددار و پرداز حرکت مبرکند در این زمان انسان مردمان ارض بوده مار و حیوانات درنده زیاد پیدا میشدند آنها با وجود وفور و ظنبا انسان هنوز جاری و جاری نشدند بودند و افراد انسان خیلی بدبخت بوده چندی بگذشت که پوشیدن لباس پوست عادت کرده تا آنکه در آن زمان سر ماوردهای شد حفظ نمایند این مردمان را سردمان پرست پوشش می ناهوده اند - يك جهان و بی چینی می سکونید در اعصار اترقیه عالم عدد حیوانات بی پایان بوده ر عدد افراد انسان خیلی کم بخوبی که هوه ده کبر کرس حیوانات و مارها را ندانند يك حکیم در کبر مینویسد سردمان قدیم مغزشان یاروی در حیات بوده و مادر عارض بدن و حفظ احاطه ایشان در عالم عراب زیاد تر ر حلال بوده - چون در - - ادب که در - - در - - شده و حیوانات بجز ما را نمی بیند سردمان را کمال الی - - یکا کمال - - آنها می بردند - -

چون بر کالای افراد انسان افزوده شد حجم مفاخرت ما بین آنها و حیوانات گداخته شد حیوانات ما چنگال و دندان و تاج و تسمی که داشته افراد انسان را هر چگونه آسپه بیلا میساختند نیز بکه باعث قبول کردن خانه های چوبی شد در همین حیوانات سبوع و درنده بود از این تاریخ بود که جنگ و نزاع ما بین آنها نسبت در گرفت بگویند که اختراع حر و طت اولیه چینی را اول سلطان عصر هم برده این امپراطور که موسوم به (انسان کی) و پستانین مانند پستانی ازدها و درائی دهان دروک و چهار چشم درختستان بوده چنان کان میگردند که این سلطان صاحب عقل و فراست زیادی بوده است — در این زمان بود که حدود و رسوم ما بین سلطان و رعیت مقرر و معین گشت و قوانین اولیه که از برای پیشرفت امورات لازم بود نیز در این زمان ایجاد نمودند — علم موسیقی چنانکه شاید و باید دایر شد و مکانات و مجاری که از برای مقصود لازم بود مقرر ساختند خلاصه آنکه یک حکومت منطقی که سر مشق سایر سلاطین گشته تشکیل یافت در زمان سلطنت امپراطور چهارمین عصر چندین حال بیک زده شد — مثلا پنج اردغای و یکار بیکه عوینا شد هوا نوبت نیم های خوب نمود و از بطن زمین آب گوارا جاری شد و نور افتاب و ماه و ستاره ها زیاده از حد معمول گشته و سیارات بر از این تاریخ از سیر خود نجاتی نمودند — در زمان سلطنت امپراطور ششم بود که کلمات یکمتر و باسوف چینی بدل بحالی مردمان شد

(علم انسان نسبت بجهل او هیچ است) این برده اندازد صحیح و دقیق است که مصداق این امر زده با پنجه زار سال قبل حکم واحدی صادر در زمان سلطنت امپراطور هفتم اختراع عرابه ها و پونهای مس و زار و کنت در زمان سلطنت امپراطور هشتم جمعیت کشتن حیوانات درنده شایه ای در حیاتا بکار میبرد — در این زمان علم جمعیت بی نوع نشر چندان نمیشود چنانکه های وسیع که تمام بر زنده و کنت مدع بود از هر جهت امتداد پیدا کرده بود

در زمان سلطنت امپراطور مهم باد ها و نوبت گشته در رشتن تمام قبول تغییر پیدا نموده بدین لحاظ بود که امپراطور به (سه کومی) سر آمد که ماری بسازد پنج سیمه ما آنکه علاج بی نظمی عالم یقود و بواسطه آشنی و صدای آن موجودات بی روح بد روح نگرددند — در زمان امپراطور دهم آنها از جریان و سیلان باز ماندند و در خانه ها از جهت طبیعی خود منحرف گشتند بدین لحاظ بود که اسرافتی را بدی توانستند — این امپراطور ترتیب بعضی دفعی و نفس ها دره موسوم به (طازده) و حسب عقیده مورخ چینی این دفعهها از برای ریاضت بدن و

حفظ صحت جلی خوب بود و دلیلی که از برای این مطلب ذکر کرده این است که ذیلاستور میشود — مواد لثه در بدن انسان دوران دارد هر آینه اگر بدن از حرکت بیفتد اخلاط از حرکت باز ماند و مواد لثه در یک نقطه ثابت گردد — و بدین واسطه امراض مختلفه که موجب سد رقبص است هویدا گردد در زمان سلطنت امپراطور شانزدهم جمعیت عالم با اندازه کتب که در همه جا صوت خروس و صدای سگ شنیده میشد اقراد انسان زیاد سن میکردند و مباشرت و محالطت زیادی با یکدیگر داشتند

(از منة نصف تاریخی)

سلطنت (فوهی) امپراطور اول سه هزار و چهار صد و شصت و هشت سال قبل از میلاد مسیح بعد از سلاطین مذکوره (فوهی) امپراطور سلطنت میکنند مورخین چینی تاریخ چین را از اول سلطنت او شروع نمیکارند کرده اند و واقع قبل از سلطنت او را خالی از شئ و ریب نمیدانستند مسقط الرأس و دیوانخانه اش در خاک (هوان) واقع بود. عالی احترامات سابق الذکر را بیشتر مورخین او اسامی میدهند ولی بعضی مورخین دیگر بگویند تمام این احترامات در عصر تم هویدا گشته اختراع و ترسیم هشت علامت را با نسبت میدهند

سه خط را با هم ترکیب کرده تولید شصت و چهار خط میکنند خط و علامت اول از این هشت علامت که موسوم به (کوآ) است آسمان را مینماید خط دوم زمین را خط سوم صاعقه خط چهارم جبال را خط پنجم آتش را خط ششم ابرها را خط هفتم آب ها را خط هشتم باد ها را) این امپراطور بود که از برای مملکت و ذرا قرار داد از برای اینکه قوانین تازه ای همی در افکار سرزمین پیدا کنند مملکت آنها را در پستت حیواناتیکه شکن ابرها و اسب را داشته و از سر یا چه عروس می آمد نوشته دیده نموده پیشرفت امور آن قوانین را بواسطه حولی و امیازیکه دانسته است تمام نمود بواسطه کارهای عجیب و غریبی که از او سر زده اعتبار زیادی در مابین رعیت پیدا نمود و وزیر او را که منصوب کرده نامش لیان ملقب صاحب یکی از آنها را امین ملقب نامیده و تغزل این فرمان ترکیب و تألیف کتب کرده وزیر دوم را تمیان سخی نامیده شغله این وزیر نوشتن قوانین بود وزیر سوم را تمیان مکن نامیده ملاحظه اینکه تفاوت و وزارت بتائی با او بود چهارمی را لیان حامی نامیده چه کار این وزیر رسیدگی الی مراسم و در آئین آنها هر یک پیشتر برده وزیر پنجم لیان ارتوی نام داشته بلحاظ اینکه